



آهنگ قرائت قرآن کریم از دیدگاه حکمت و عرفان

دکتر محمدجواد سعدی شاهرودی^۱

چکیده

شیعه و سنی در احادیث فراوانی، استحباب قرائت قرآن را با آهنگ زیبا بیان کرده‌اند. هم‌چنین ساختار آوایی قرآن به گونه‌ای است که به خودی خود آهنگین است؛ آیا جدای از ظاهر قرآن و سفارش رهبران دینی، مبنایی معقول برای آهنگ قرائت وجود دارد؟ اگر چنین باشد مخالفت برخی از متشرعه با آهنگ قرائت در دایره عقل و نقل ناشناخته خواهد بود.

در این مقاله، به دو مبنای عقلی بر صحت و نیز مطلوبیت آهنگ قرائت اشاره می‌کنیم:

۱. شنیدن آهنگ قرائت مطابق فطرت بشر است؛ ۲. شنیدن آهنگ قرائت زمینه‌ساز تدبیر در قرآن است.

واژگان کلیدی: آهنگ، قرائت، فطرت، تدبیر، جمال (زیبایی)

مقدمه:

قرآن کریم عطیه پروردگار به سوی بشر و معجزه بزرگ پیامبر گرامی اسلام (ص) است. دانشمندان وجوه متعددی را درباره اعجاز قرآن بیان داشته‌اند. یکی از وجوه تازه یافت، قرائت آهنگین قرآن است که از آن به «اعجاز صوتی» و «موسیقی قرآن» تعبیر می‌شود.

دانشمندان قرآن پژوه رویکردهای مختلفی به این جنبه قرآن داشته‌اند. برخی رویکرد آزمایشگاهی و تجزیه و تحلیل صوتی داشته‌اند، هم چون: سید «قطب» در کتاب‌های التصوير الغنی فی القرآن، مشاهد القیامة و تفسیر فی ظلال القرآن. برخی دیگر نگاهی شرعی و بر مبنای احادیث به آهنگ قرائت داشته‌اند مانند: ابن حجر عسقلانی در جلد نهم فتح الباری، شرح صحیح البخاری. برخی دیگر از منظر آوانوی (فونتیکی) و با توجه به فنون موسیقی به آهنگ قرائت نگریسته‌اند همچون: ابراهیم میرزامهدی تهرانی در مبنای موسیقی قرائت قرآن یا محمد عربی القبانی در کفایة المستفید فی علم القرائة والتجويد.

اما نگاهی عقلی و ذوقی از منظر حکمت و عرفان به پدیده آهنگ قرائت قرآن رویکرد جدیدی است که در این مقاله بدان می‌پردازیم.

قبل از طرح بحث، می‌گوییم که قرائت آهنگین قرآن کریم صرف نظر از ساختار آهنگ‌ساز خود، پشتوانه عقلی دارد و احادیث فراوانی که مسلمانان را به قرائت آهنگین و زیبای قرآن دعوت می‌کند؛ در حقیقت ارشادگر بدان مبنای اند. چنان که اگر آن احادیث هم نمی‌شدند طبیعت کار (ساختار شکلی، مفاهیم و جای‌گاه معنوی قرآن) مستلزم قرائت آهنگین آن می‌گشتند. هم چنان که در کتاب‌های مذهبی ادیان پیشین. هم چون عهد جدید، عهد قدیم، گات‌ها، وداها و... نیز چنین گشته است.

مقاله حاضر که بخشی از رساله دکترای نگارنده^۲ را تشکیل می‌دهد؛ به‌طور مفصل مبنای فکری و روحی آهنگ قرائت قرآن یا صوت و لحن قرآن کریم را بررسی کرده است.

آهنگ قرائت مطابق فطرت

خداوند متعال پیام خود را در قالب گفتاری آهنگین به بشر ابلاغ کرده است، زیرا حکمت الهی بر این تعلق گرفته است که پیام آسمانی به بهترین صورت به بندگان برسد و آنان نیز متناسب با ساختار خلقت خود به بهترین صورت آن را بپذیرند.

یکی از راه‌های نفوذ کلام الهی به جان آدمی استفاده از ابزار «آهنگ» است، زیرا بین روح بشر با آهنگ سنخیتی برقرار است. از این رو پیامبر گرامی و ائمه معصومین. علیهم السلام.

مکرراً بر قرائت آهنگین قرآن تأکید ورزیده‌اند.^۳

اما برخی از دانشمندان با قرائت آهنگین قرآن مخالفت کرده‌اند.^۴ دانشمندان بسیاری به پاسخ‌گویی پرداخته‌اند و هر کدام از منظری بدین مسئله نگریسته‌اند. برخی رویکرد فقهی بدان داشته‌اند و دسته‌ای حدیثی و گروهی رویکرد تحلیل متن (آزمایشگاهی) و... داشته‌اند.

از منظر حکمت و عرفان نیز این دیدگاه قابل نقد و بررسی است، زیرا حکما و عارفان بر این عقیده‌اند که بین آهنگ خوش و فطرت آدمی سنخیتی است و لذا شایسته است که آفریدگار انسان با استفاده از این قابلیت پیام خود را به شیوه زیبا و روح‌افزا ابلاغ کرده و همان گونه نیز قرائت قرآن را خواستار شده است؛ در جایی فرموده است: و رتلناه ترتیلاً (فرقان/۳۲) و در جای دیگر فرموده است: و رتل القرآن ترتیلاً. (مزمل/۴)

اکنون شایسته است با تفصیل بیشتری این نکته را در گفتار حکیمان و عارفان جست‌وجو کنیم تا ثابت شود که فلسفه قرائت آهنگین قرآن، سنخیت آن با جان آدمی و مطلوبیت آن برای نوع بشر است.

شنیدن آهنگ قرائت مطابق فطرت

نیاز به شنیدن آهنگ خوش و دل‌نشین، از جمله آهنگ قرائت قرآن فطری است که برخاسته از میل زیبایی‌خواهی بشر است. در کنار میل به پرستش و نیایش، میل به دانش و پرسش، میل به انجام کار نیک و دیگر امیال فطری و میل به زیبایی در نهاد بشر نهفته شده است و مبارزه با این میل‌ها معقول نیست.

زیبایی‌های مطلوب بشر متناسب با قوای پنج‌گانه او است، اما اوج و نهایت زیبایی و تنوع آن در دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها است. گویی قوام انسان به این دو قوه (بصره و سامعه) است و از این دو راه فربه می‌شود و از این دو سقوط می‌کند؛ به‌ویژه بر گوش و مسموعات تأکید بیشتری شده است زیرا که: آدمی فربه شود از راه گوش.

جمال صوتی

از تناسب صداها^۵ موسیقی پدید می‌آید. تولید موسیقی طبیعی است و تشخیص آن غریزی، اما مانند بسیاری از پدیده‌های طبیعی، قابل شناخت، محاسبه، تصرف و بازپروری است و بشر در اثر رشد علم و فن و هنر، توانسته است تولید آن را قانون‌مند و مصنوعی کند.

پیش‌تر علم موسیقی را زیر مجموعه علم ریاضی می‌دانستند، ولی امروزه آن را زیرمجموعه علم فیزیک می‌شمارند و در کنار فیزیک در روان‌شناسی و در صنعت و فن

موسیقی نیز مطرح می‌شود. قوانینش در فیزیک، آثارش در روان‌شناسی و کیفیت اجرایش در فن موسیقی و مسائل زیبایی‌شناسی آن در هنر مورد بررسی موسیقی‌شناسان، سازندگان، نوازندگان و خوانندگان قرار می‌گیرد.^۶

بشر از صدای خوش و آهنگ به طور غریزی لذت می‌برد. این لذت را می‌توان روی کودکان و بلکه نوزادان آزمود. شریعت جاودان و جهانی نه تنها با امیال فطری بشر ستیز نمی‌کند که در صدد ارضای سالم آن‌ها است.

عارفان، ارضای این نیاز فطری را ضروری می‌دانند. شیخ اشراق در صفیر سیمرخ می‌گوید: «سمع را لذتی است و آن ادراک مسموع ملایم و آواز خوش است».

گرایش به زیبایی‌ها و از جمله شنیدن صدای خوش و آهنگ زیبا به دو جهت می‌تواند مطلوب واقع شود:

۱. به طور کلی بشر خواهان دیدن و شنیدن زیبایی است و میل درونی او را بدین سو می‌کشد و غالباً این کار ناخودآگاه و به طور طبیعی صورت می‌گیرد. به گفته غزالی:

«تصور زیبایی برای انسان لذت‌بخش است، پس می‌تواند

بدون دخالت غرض زاید، محبوب و دوست داشتنی باشد. چرا

نه! در حالی که تماشای سبزه‌زار و جریان آب دل‌پسند است،

نه به جهت آن که سبزه را بخورد و آب را بنوشد».^۷

۲. به جهت آثار مثبتی که بر او می‌گذارد. بشر آهنگ خوش

را مناسب روان خود می‌بیند و بدان رغبت می‌کند. غزالی

می‌گوید:

«لله تعالی سرّ فی مناسبة النغمات الموزونة للأرواح

حتى أنّها لتؤثر فيها تأثراً عجيباً».^۸

ظرفیت روحی شنوندگان موسیقی

مردم در التذاد به آهنگ خوش، سه دسته‌اند:

دسته اول: آنان که دارای نفس فرومایه و طبع دون‌اند و در

پی ارضای لذت‌های حسی خویش‌اند. هدفشان تنها شنیدن

موسیقی است و کاری به نیازهای فطری دیگر خود ندارند، هر

چند بین لذت‌های حسی و وهمی یا عقلی تعارض پیش آید.

بیشتر قید و بند شرعی درباره موسیقی متوجه این دسته از

مردم است. آثار سوء موسیقی، نیز در این گروه بیشتر ظهور

می‌کند.

دسته دوم: آنان که دارای نفوس متوسطه‌اند، نه چندان بلند

همت‌اند و نه آن چنان فرومایه و بی‌شخصیت. این گروه در

کنار کسب لذت‌های حسی، در پی تحصیل لذت‌های وهمی

خویش‌اند و در تعارض حسن و وهم، لذت‌های حسی را رها

می‌کنند. برای خود شخصیت و آبرو قایلند. در میان این گروه

آنان که ظاهرشان با باطنشان فرق کند و خلوتشان با جلوتشان

تفاوت نماید بسیار است. بخشی از احکام شرعی نیز متوجه

این دسته است.

دسته سوم: آنان که دارای نفوس عالی، روح قدسی، عقل کامل و طبع بلندند. آن‌ها اعضا و حواس و قوای طبیعی خود را وسیله ارتقاء روح و تقویت عقل خود می‌دانند و می‌سازند. گر چه این عده اندکند.

وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالَمُونَ (عنكبوت/۴۳) وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ (سبأ/۱۳) وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ (ص/۲۴)

اما مطلوب و الگوی ما در این رساله این گروهند و لذا نوبت به بحث‌های احکام شرعی نمی‌رسد، زیرا اینان غرق در جمال حقایق و در پی وصال او، دنیا و امور دنیوی را کم ارزش‌تر و کم اهمیت‌تر از آن می‌دانند که بخواهند جان گران‌مایه خود را در آن راه به کار گیرند. بیشتر در پی تحصیل کمالات معنوی و تقویت بعد عقلی خویش‌اند.

گروه سوم خود را از لذت‌های حسی و وهمی، یک‌باره محروم نمی‌کنند، زیرا آفریننده زیبایی‌ها و لذایذ پیام داده است که:

أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ (مانده/۴ و ۵) وَقُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ (اعراف/۳۲) وَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ (مانده/۸۷)

اما در تعارض بین لذت‌های عقلی با لذت‌های حسی یا وهمی، عقل را رها نمی‌کنند. از دسته دوم و اول نیز گاه افرادی یافت می‌شوند. و کم شمار نیستند. که در تعارض بین لذت‌های حسی، وهمی و عقلی، لذت‌های پست‌تر را فدای لذت‌های متعالی می‌کنند و در جرگه گروه برتر قرار می‌گیرند و حَسَنَ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا (نساء/۷۰)

این سینا برای دسته سوم شنیدن آهنگ را لازم می‌شمارد و می‌گوید:

«انسان عارف نیازمند ریاضت، و تلاش و تمرین است. برای سه هدف:

اول: دور ساختن غیر حق از راه حق؛

دوم: تابع ساختن نفس اماره به نفس مطمئنه تا قوای تخیل و وهم به سوی توهّمات مناسب با امر قدسی کشیده شوند و از توهّمات مناسب جهان پست خاکی روی گردان شوند؛

سوم: لطیف و پالوده کردن درون برای تنبّه و آگاهی.

زهد به هدف اول کمک می‌کند و سبب می‌شود که موانع و شواغل و موجبات غفلت از سر راه برداشته شود، اما هدف دوم (رام ساختن نفس اماره برای نفس مطمئنه و پیدایش انتظام در درون و برطرف شدن آشفته‌گی‌های روانی) چند چیز به آن کمک می‌کند:

یکی، عبادت به شرط آن که با حضور قلب و تفکر توأم باشد. دیگری، آواز خوش‌آهنگ مناسب با معانی روحانی که تمرکز ذهن ایجاد کند و سخنی را که با آن ادا می‌شود. مثلاً آیه قرآن که تلاوت می‌شود و یا دعا و مناجاتی که قرائت می‌شود و یا

شعر عرفانی که خوانده می‌شود. در قلب نفوذ دهد.

سوم: سخنی پندآموز که از گوینده‌ای پاک دل با بیانی فصیح و بلیغ و لحنی نرم و نافذ و هیئت رهنمایانه شنیده می‌شود.^۹

محقق طوسی در شرح عبارت شیخ الرئیس می‌گوید:

«آهنگ خوش به دو جهت مطلوب انسان می‌باشد: ۱. مطلوبیت ذاتی: انسان از خود آهنگ و تألیف منظم صداها خوشش می‌آید. ۲. مطلوبیت عرضی: آهنگ خوش، کلام همراه خود را به جان آدمی می‌نشانند.»^{۱۰}

استاد جوادی آملی می‌گوید:

«این آهنگ که مورد نیاز عارف است، نه آن است که جنبه طبیعی انسان را تقویت کند و نه در محتوایش لهو و لعب باشد، بلکه نغمه‌ای است که جنبه ماوراء طبیعی داشته باشد.»^{۱۱}
این سینا در رساله عهد خود معتقد است که شنیدن آهنگ خوش در پرورش روح مؤثر است. او می‌گوید:
«والمسموعات یدیم استعمالها علی الوجه الذی توجیه الحکمة لتقویة جوهر النفس و تأیید جمع القوى الباطنة لا لما یرتبط بهذه من الامور الشهوانیه»^{۱۲}؛ آهنگ خوش آن مقدار که حکمت لازم می‌شمارد، جوهر نفس آدمی را تقویت می‌کند و قوای باطنی او را تمرکز می‌بخشد، نه آن آهنگی که امور شهوانی را در انسان تحریک نماید.»

البته نویسنده کتاب فلسفه عرفان نظری بر خلاف عرفا ابراز داشته می‌گوید:

«اگر مردم حضور قلب داشتند و باطن پاک و نفوس ادب شده، و از طبیعت بشری رها می‌گشتند، دیگر چه نیازی بود که قرآن با آهنگ‌ها و صداهای خوش و دل‌نشین خوانده شود.»^{۱۳}
در نقد این دیدگاه باید گفت: مطلب، کاملاً بر عکس است. نفس پاک و بی‌آلایش و فطرت منحرف شده آدمی نیاز به نغمه ریخیمه و آهنگ گوش نواز و دل‌نشین دارد. اگر فطرت را بر حال اعتدال و سلامت نگه داشته، نیازهایش را تاءمین کنیم که چه خوب و گرنه به انحراف کشیده می‌شود. اصولاً سلامت فطرت آدمی را از راه عکس‌العملش به آهنگ خوش اندازه‌گیری می‌کنند. در جوامع الحکایات چنین آمده است:

«آورده‌اند که چون مُلک عجم را وفات رسید از وی پسری دوساله ماند. گفتند: این را بر تخت مُلک باید نشانند. با بزرجمهر تدبیری کردند، گفت: نخست او را بیازمایید تا معلوم شود که حس او سلیم و طبع او راست هست و بدو امید خیر توان داشت. گفتند: او را چگونه توان آزمود؟ بفرمود تا مَعْتَبان بر سر او سماع می‌کردند و او از آن سماع به طرب آمد و دست و پا زدن گرفت. بزرجمهر گفت: این پسر امیدوار است. او را به مُلک باید نشانند.»^{۱۴}

فلسفه پرهیز از آهنگ قرائت

با توجه به آن چه گذشت سؤالی قابل طرح است که: اگر میل به استماع آهنگ خوش و آواز دل‌نشین حنجره فطری است، پس چرا بعضی از مردم این نیاز را احساس نمی‌کنند؟ و در انسان‌های متشرع و متنسک زیاد به چشم می‌خورد. بلکه حتی از شنیدن آهنگ قرائت قرآن پرهیز می‌کنند؟ و چرا بسیاری از مردم رغبتی از خود به شنیدن آهنگ قرائت نشان نمی‌دهند؟

پاسخ این است که پرهیزکنندگان از شنیدن آهنگ قرائت دو دسته‌اند:

دسته اول: انسان‌های آشنای با قرآن و مفاهیم و قرائت آن و پای بند به دستورات دینی. این گروه به پندار خود شرع را مخالف آهنگ قرائت قلمداد کرده و سعی در انطباق رفتار خود با احکام شرعی دارند، هر چند که به سرکوب فطرت خود بینجامد. برداشت اینان از شریعت نیاز به اصلاح دارد. ما در این رساله به ویژه در بخش تشخیص حکم شرعی آهنگ قرائت، بدین گروه نظر داشته و پاسخ اینان را می‌دهیم.

گویند زاهدی را در دیر زمان دیدند که یک چشم خود را بسته بود. سبب را پرسیدند، پاسخ گفت که نیاز من با یک چشم برآورده می‌شود و استفاده از چشم دیگرم اسراف است! داستانی را نیز امام صادق (ع) تعریف می‌کرد که عابدی، تازه مسلمانی را به نماز واداشت و تمام شبانه‌روزش را به عبادت و ذکر مشغول داشت. تازه مسلمان روز دوم که عابد به سراغش رفت از او کناره گرفت و گفت: دین شما به کار بیکاران می‌آید، نه منی که گرفتار مشکلات معیشت خویشم و از اسلام بیرون شد.^{۱۵}

می‌بینیم که ممکن است کسی به جهت برداشت نادرست و ناقص از شریعت، به سرکوب کردن فطرت خویش بپردازد. چنان‌که راهبان کلیسا درباره نیاز فطری ازدواج چنین برخوردی کرده‌اند.

دسته دوم: مردم عوامند که از خود به شنیدن آهنگ قرائت، رغبتی نشان نمی‌دهند. آنان درباره نیاز فطری خود به استماع آهنگ خوش، به وسایل دیگر و از راه‌های دیگر. مشروع یا نامشروع. میل خود را سیراب می‌کنند. اما چرا از این طریق اقدام نمی‌کنند؟ سبب بیگانگی آنان به قرائت قرآن است.

برای ایجاد ارتباط روحی و پیوند عاطفی با قرآن، نیاز به نزدیک کردن فضای روح و ذائقه خود به فضای قرائت قرآن است. راه ایجاد چنین رابطه و زمینه چند چیز است:

۱. سعی نمودن در درک معانی و مفاهیم قرآن، برای تشخیص یا تطبیق آهنگ قرائت با آیات قرآن.
۲. هم‌نشینی با قاریان برای نزدیک ساختن افق روح و



ذائقه خود به افق روح و ذائقه آنان.

۳. زدودن حجاب‌های دل مشغولی، غفلت، حواس پرتی، نگرانی، اضطراب، تعجیل و غیره.

عروس حجله قرآن نقاب آن‌گه براندازد

که دارالملک ایمان را مجرد بیند از غوغا
(حافظ)

۴. برای لذت بردن بیشتر، آشنا شدن با کیفیت قرائت و اصول و شرایط و لوازم و آسیب‌ها و محدودیت‌های قاریان و به‌ویژه ممارست و مداومت در شنیدن یا خواندن قرائت آهنگین، در ایجاد جاذبه و محبت، به آهنگ قرائت بسیار مؤثر است که این شرط در همه هنرها و فنون نیز جاری است.

آن‌گاه آدمی از شنیدن قرائت آهنگین قرآن چنان لذتی می‌برد که از هیچ آواز و موسیقی دیگر نمی‌برد و احساس نیاز به شنیدن آهنگ دیگر نمی‌کند، مگر از باب تفتن.

نظیر آن‌چه را که گفتیم بزرگان دانش و حکمت نیز بیان داشته‌اند. برای نمونه، امام خمینی از عارف نام‌ور، شاه‌آبادی چنین نقل می‌کند:

«باید انسان در وقت ذکر، مثل کسی باشد که کلام دهن طفل می‌گذارد و تلقین او می‌کند، برای این‌که او را به زبان بی‌آورد و همین‌طور باید ذکر را تلقین قلب کند و مادامی که انسان، با زبان، ذکر می‌گوید و مشغول تعلیم قلب است، ظاهر به باطن مدد می‌کند. همین‌که زبان طفل قلب، باز شد از باطن به ظاهر مدد می‌شود... انسان اگر مدتی مواظبت کند در نماز و اذکار و ادعیه، به این ترتیب، البته نفس، عادی می‌شود و اعمال عبادی هم مثل اعمال عادی می‌شود که در حضور قلب، در آن‌ها محتاج به رویه نیست، بلکه مثل امور طبیعی عادی می‌شود.»^{۱۶}

علاوه جعفری نیز می‌گوید:

«احساس زیبایی در نمود و بروز احساسات ناب و عواطف عالی و مثبت دارای دو شرط مهم است:

۱. ناظر و تماشاگر تحت تأثیر آن احساسات و عواطف، بازتاب مشابه یا متضاد نداشته باشد. هم‌چنین تفکرات و هدف‌گیری‌های خاصی را از مشاهده منظره بروز احساسات و عواطف نداشته باشد که در هر دو صورت، نظارت و تماشاگری بیننده، مختل است و سر و کاری با واقعیت ابراز شده ندارد.
۲. ناظر این زیبایی، از حیات و پدیده‌ها و امواج آن آگاهی و اطلاع داشته باشد... برای کسی که فاقد آگاهی از عظمت ارزش حیات است، احساسات ناب و عواطف عالی و مثبت و تجسم آن‌ها به‌طور آزاد، در یک انسان، معنی و حقیقتی ندارد،

چه رسد به این‌که یکی از زیبایی‌ها محسوب گردد.»

علاوه جعفری درباره آرمان تجسم و نمایش ارزش‌ها نیز می‌گوید:

«ارزش‌های اخلاقی هم‌چون: شجاعت، عفت، حکمت، گذشت و فداکاری‌ها بر مبنای انسانیت، هنگامی که «در سخن» یا «ترسیم» به نمایش در می‌آیند از زیبایی‌های بسیار جالب توجه می‌باشد. البته درک و دریافت این نوع زیبایی‌ها هم مانند زیبایی نوع پیشین مطلق نبوده، بلکه مشروط است.»^{۱۷}

پیامبر گرامی نیز در دومین خطبه خود در مدینه از مسلمانان می‌خواهد که دوست داشتن قرائت قرآن را به خود تلقین کنند:

«دوست بدارید آن‌چه را که خدا دوست می‌دارد، خدا را با تمام وجود و از صمیم قلب دوست بدارید و از «کلام الله» دل زده و ملول نگردید و دل‌هایتان سخت نشود.»^{۱۸}

شنیدن آهنگ قرائت زمینه‌ساز تدبیر در قرآن

همه موسیقی‌دانان تأیید می‌کنند که موسیقی تحریک‌کننده قوه خیالیه است، بلکه بعضی از دانشمندان^{۱۹} معتقدند که آهنگ، قوه واهمه و برخی قوه متخیله گروهی دیگر و قوه عاقله عده‌ای را تحریک می‌کند.

با پذیرش قدر متیقن از تأثیر آهنگ، یعنی تحریک قوه خیالیه، آهنگ در سلسله مقدمات تعقل و تدبیر قرار می‌گیرد، زیرا خیال نیز مرتبه‌ای از تفکر است و سر و کار هنر و از جمله موسیقی با این قوه است.

در تحریک قوه خیالیه یا عاقله، موسیقی دو گونه عمل می‌کند:

۱. ذات آهنگ بدون دخالت مفاهیم و کلمات با تحریک شنونده، معنایی را در ذهن او ایجاد می‌کند و بر اثر آن، شنونده عکس‌العمل نشان می‌دهد؛ مثلاً غم زده یا شادمان می‌شود.
۲. نقش واسطه در انتقال مفاهیم و گفتار را ایفا می‌کند و

گفتار را همراه خود به ذهن شنونده منتقل می‌سازد. در حقیقت، آهنگ نقش تسهیل و تسریع کننده انتقال پیام را ایفا می‌کند، در این صورت تأثیر مادی آهنگ با تأثیر معنوی و متافیزیکی، همراه گشته و از قبیل تعلیم و تعلم می‌شود.^{۲۰}

در گفتار پیشین، کلام خواجه نصیرالدین طوسی را در دو گونه مطلوبیت آهنگ: مطلوبیت ذاتی و عرضی بیان داشتیم که به کار این بحث نیز می‌آید.

اکنون با یک قیاس ضرورت یا حسن آهنگ قرائت قرآن ثابت می‌شود:

۱. آهنگ قرائت زمینه‌ساز تدبیر در قرآن است.
۲. آن چه که زمینه‌ساز تدبیر در قرآن باشد لازم یا نیکو است. در نتیجه: آهنگ قرائت، لازم یا نیکو است.
- آیاتی که تدبیر را لازم شمرده‌اند عبارتند از:
 ۱. آیا در قرآن تدبیر و اندیشه نمی‌کنند؟^{۲۱}
 ۲. آیا در این گفتار، قرآن، تدبیر نکردند؟^{۲۲}
 ۳. نزول مبارک قرآن به این جهت است که در آیاتش تدبیر کنند.^{۲۳}

آهنگ قرائت با تحریک قوای تخیلیه و عاقله و تجسم بخشیدن به مفاهیم آیات مقدمات تدبیر و تفکر در آیات قرآن را فراهم می‌کند.

بعضی از محدثان نیز به جنبه تأثیر آهنگ قرائت، در تنبیه دل و تمرکز حواس و نشاط و شادابی خواننده یا شنونده قرآن توجه داشته‌اند. برای نمونه «حافظ نووی» می‌گوید:

«قرائت با صدای قرآن، از قرائت بی‌صدا بهتر است، زیرا کار بیشتری می‌برد و فایده‌اش به شنندگان نیز می‌رسد و دل قاری قرآن را بیدار می‌سازد و زمینه فکر و اندیشه را فراهم می‌کند. گوش قاری نیز از قرائت خود بهره‌مند و خود نیز از قرائتش لذت می‌برد و خواب و کسالت را برده و بر نشاط و شادابی قاری قرآن می‌افزاید.»^{۲۴}

پی نوشت ها:

۱. محقق و نویسنده.
۲. تحت عنوان: «آهنگ قرائت قرآن از دیدگاه قرآن و سنت».
۳. ر.ک: کلینی، اصول کافی، کتاب فضل القرآن؛ فضل بن الحسن، طبرسی، مقدمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱؛ محمد محسن، فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۱، مقدمه یازدهم.
۴. برای نمونه، ر.ک: محمد بن الحسن، حرّ عاملی، الفوائد الطوسیه، فائده ۲۷؛ جعفر مرتضی، عاملی، حقائق هامه حول القرآن کریم.
۵. صداسه خاصیت دارد که از تنظیم آن‌ها موسیقی و آهنگ پدید آید.

- الف. شدت یا Intensity که عبارت از کیفیتی است که با آن می‌توان صداهای شدید و ضعیف را تشخیص داد. شدت صدا متناسب با انرژی جذب شده برده صماخ گوش است.
- ب. ارتفاع یا Hauteur و عبارت از درجه زیر و بمی صدا است و با فرکانس ارتعاش امواج صوتی ارتباط دارد.
- ج. طنین یا Timber عبارت از نوسان صدا است و موجب تشخیص دو صدای هم ارتفاع و هم شدت است.
۶. برای مطالعه بیشتر ر: مقاصد الألمان: عبدالقادر مراغی با تعلیقات تقی بینش؛ امین شه میری، صداشناسی موسیقی؛ زیگموند اسپات، چگونه از موسیقی لذت ببریم، ترجمه پرویز منصوری؛ دکتر مهدی فروغ؛ شعر و موسیقی؛ شمس‌الدین محمد آملی، نفایس الفنون؛ فن چهارم از مقاله سوم (در اصول ریاضی)، تصحیح ابوالحسن شعرانی.
۷. غزالی، احیاء العلوم، تصحیح شیخ عبدالعزیز السیروان، دوم، بیروت، دارالعلم، بی تا و دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۶، ج ۴، ص ۳۱۶.
۸. همان، ج ۲، ص ۲۵۳.
۹. طوسی، خواجه نصیرالدین، شرح الاشارات والتنبیها، دوم، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۳، ص ۳۸۰. ترجمه و توضیح با تصرف از شهید مطهری؛ آشنایی با علوم اسلامی، صدرا، قم، ج ۲، ص ۱۵۴، ۱۵۵.
۱۰. شرح اشارات، همان، ص ۳۸۲، با تصرف.
۱۱. جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، ص ۲۷۹.
۱۲. حاشیه صفحه ۳۳۶ شرح الهدایة الأثریة: ر: جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، ص ۲۷۸.
۱۳. سیدحیی یشربی، فلسفه عرفان، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶، ص ۳۱۰.
۱۴. سدیدالدین محمد عوفی، گزیده جوامع الحکایات و لوامع الروایات، به کوشش دکتر جعفر شعار، ص ۱۵۹-۱۶۰؛ هجویری غزنوی، کشف المحجوب، تصحیح م. ژوکوفسکی، ص ۵۲۳.
۱۵. کلینی، اصول کافی، تحقیق: شیخ محمدجواد فقیه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳ ه.ق، کتاب الایمان والکفر، باب ۲۰، درجات الایمان، حدیث دوم.
۱۶. امام خمینی، روح، سرالصلوة، چهارم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۵، ص ۲۹.
۱۷. محمدتقی جعفری، فصلنامه هنر، زمستان، بهار، شماره ۲، ص ۶۱-۶۲.
۱۸. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۴۶، ۱۴۷.
۱۹. هم چون استاد جوادی آملی.
۲۰. جوادی آملی، تفسیر موضوعی، مبادی اخلاق در قرآن، قم، اسراء، ص ۱۰۸-۱۰۹.
۲۱. نساء، آیه ۴ و محمد، آیه ۲۴.
۲۲. مؤمنون، آیه ۶۸.
۲۳. ص، آیه ۳۸.
۲۴. سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، رحلی، بیروت، دارالمعرفة، بی تا. تحقیق: مصطفی دیب‌البغا، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۱۴۲؛ دارالمعرفة (ص ۳۳۸ تصحیح دیب‌البغا).